

متن

دامنه شخصیت بی‌مانند سبط اکبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امام حسن مجتبی‌ علیه‌السلام آنقدر وسیع و گسترده است که آثار و نشانه‌های آن در تمام کتاب‌های حدیث، تراجم، سیره، تاریخ و مناقب فراوان به چشم می‌خورد. مواضع، فروتنی، خداترسی، روابط حسنه، احترام متقابل و کمک به بینوایان از ابعاد برجسته زندگی آن سرور جوانان بهشتی است. آن بزرگوار بازویی علمی، قضایی و نیرویی بسیار کارآمد برای حکومت علوی و شخص امیرمؤمنان علیه‌السلام بوده است.

امام از جمله کسانی بود که از آغاز تا پایان به دفاع از حریم رهبری پرداخته و در جنگ‌های جمل، صفین و نهروان فعالانه شرکت جست، بلکه در بسیج نیروها از کوفه برای مقابله با فتنه طلحه و زبیر، گام‌های بسیار مثبت و مؤثری برداشته است.

زندگی پر رنج و محنت امام، پر از این مسائل است که فقط به یک بُعد آن، که جایگاه علمی امام مجتبی‌ علیه‌السلام باشد، اشاره می‌کنیم.

الف) امام در نگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امام حسن مجتبی‌ علیه‌السلام کودک بود که پیامبر بزرگوار اسلام از او به عظمت و بزرگی یاد می‌کرد. به یقین این برخوردهای محبت‌آمیز که هیچ‌گاه در زمان خاص و یا در محدوده خاصی ابراز نمی‌شد، نشان دهنده این بود که آن حضرت می‌خواست نقاب از چهره امام حسن علیه‌السلام کنار زده و شخصیت والای او را بیش از پیش، به مسلمانان معرفی کند.

هادی امت

حذیفه گوید: روزی صحابه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در نزدیکی کوه حرا - یا غیر آن - گرد پیامبر جمع شده بودند که حسن در خردسالی با وقار خاصی به جمع آنان پیوست. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با نگاه طولانی که بر او داشت، همه را مخاطب قرار داده و فرمود:

آگاه باشید که همانا او - حسن - بعد از من راهنما و هدایتگر شما خواهد بود. او « تحفه‌ای است از خداوند جهان برای من؛ از من خبر خواهد داد و مردم را با آثار باقی مانده از من آشنا خواهد کرد. سنت مرا زنده خواهد کرد. و افعال و کردارش نشانگر کارهای من است. خداوند عنایت و رحمتش را بر او فرو فرستد. رحمت و رضوان خداوند بر کسی باد که حقّ او را بشناسد و به خاطر من به او احترام نموده و نیکی کند.»^۱

مصلح بزرگ

مورّخان نوشته‌اند که: روزی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ضمن اظهار محبت

:به امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود

انّ هذا ریحانتی و انّ ابنی هذا سید، سیصلح الله به بین فئتين من المسلمین؛ ۲ «
همانا حسن ریحانه من است. و این فرزندم سید و بزرگ است و به زودی خداوند
»به دست او بین دو گروه مسلمان، صلح برقرار خواهد کرد
ناگفته نماند که این سخن، یک پیشگویی از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بود
که در آینده بین دو گروه از مسلمانان جنگ و خونریزی خواهد شد و امام حسن
علیه السلام بین آن دو، صلح و دوستی برقرار خواهد کرد
طبق نقل تاریخ، امام حسن مجتبی علیه السلام با مشاهده خیانت یاران و فراهم
نبودن زمینه جنگ با معاویه، خیر و صلاح امت را در این دیدند که از درگیر شدن با
معاویه خودداری کرده و با صلح پیشنهادی معاویه، موافقت کنند. و در اثر این صلح،
هم مسلمانان را از شرّ هجوم خارجیان نجات دادند و هم از جنگ و خونریزی
جلوگیری کردند. ۳

گواه رسالت نبوی صلی الله علیه و آله وسلم

و در ادامه ماجرای که حدیفه به نقل آن پرداخته بود، آمده است که: ناگاه مرد
عربی چماق به دست وارد شد و فریاد برآورد: «کدام یک از شما محمد هستید؟»
یاران رسول خدا، با ناراحتی جلو رفته و گفتند: «چه می خواهی؟» رسول خدا
صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «آرام بگیرید.» مرد عرب خطاب به پیامبر
صلی الله علیه و آله وسلم گفت: «تو را دشمن داشتم، و اکنون دشمنی من نسبت به
تو بیشتر شد. تو ادّعی رسالت و پیامبری کرده ای، دلیل و برهانت چیست؟»
حضرت فرمود: «چنانچه مایل باشی، عضوی از اعضای من به تو خبر دهد که برهان
و دلیل روشن تر خواهد بود.» مرد عرب گفت: «مگر عضو انسان هم سخن
می گوید؟!» پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «آری. حسن جان! برخیز.» مرد
عرب که گمان می کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم او را مسخره می کند، گفت:
«خود از عهده پاسخگویی برنمی آیی، خردسالی را از جای بلند می کنی تا با من
!» صحبت کند؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «به زودی او را آگاه به خواسته های
خوبش خواهی یافت.» طبق پیش بینی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم امام
حسن علیه السلام از جای برخاسته و از وضعیت آن مرد عرب و چگونگی گرفتاری
وی در بین راه سخن گفت؛ به گونه ای که باعث تعجب و حیرت او شده و گفت:
«ای پسر! تو این مطالب را از کجا می دانی؟! تو اسرار دل مرا برملا ساختی؟ گویی
همراه من بوده ای! مگر تو غیب می دانی؟» آن گاه مسلمان شد. ۴
راستی که امام حسن علیه السلام با این بیانات، برهان و دلیل نبوت پیامبر اسلام
صلی الله علیه و آله وسلم بوده است؛ چرا که این عضو کوچک پیامبر آنقدر از خود
دانش نشان داد که دشمن را وادار به تسلیم و اسلام نمود
ب) امام در نگاه امیرمؤمنان علیه السلام

امام حسن مجتبی علیه السلام در نگاه علی علیه السلام شخصیتی بسیار بزرگ و ممتاز بود. و از همان دوران کودکی که آیات الهی را برای مادرش فاطمه زهرا علیها السلام می خواند، به این گوهر گرانبها را شناخت و در طول سالیانی که در کنار یکدیگر بودند، همواره از فرزند خود تعریف، تمجید و تقدیر می کرد. حتی در برخی از موارد، قضاوت و یا پاسخ به سؤالات علمی را به عهده اش می گذاشت. نمونه های زیر، بیانگر شخصیت علمی و جایگاه والای آن حضرت در نزد پدر بزرگوارش می باشد.

سخنرانی در محضر پدر

روزی امام علیه السلام به فرزند خود فرمود: «برخیز و سخن گوی تا گفتارت را بشنوم». امام حسن علیه السلام عرض کرد: «پدرجان! چگونه سخنرانی کنم با اینکه رو به روی تو قرار گرفته ام؟!» امام خود را پنهان نمود؛ به طوری که صدای حسن را می شنید. امام حسن علیه السلام برخاست و خطابه خود را شروع کرد و پس از حمد و ثنای الهی، فرمود:

علی، دری است که اگر کسی وارد آن در شود، مؤمن است و کسی که از آن «خارج گردد، کافر است

در این هنگام امام علی علیه السلام برخاست و بین دو چشم حسن را بوسید و سپس فرمود: «ذریة بعضها من بعض و الله سمیع علیم»؛ آنها فرزندان و دودمانی هستند که بعضی از بعضی دیگر گرفته شده اند و خداوند، شنوا و داناست. ه پاسخ به سؤالات مرد شامی

روز دیگری یک فرد شامی، که خود را از پیروان امیرمؤمنان معرفی می کرد، حضرت ضمن معرفی وی که: تو از پیروان ما نیستی بلکه برای پادشاه کشور روم سؤال هایی پیش آمده و پیکش را نزد معاویه فرستاده، او که در جواب عاجز مانده، تو را به نزد ما فرستاده است. برای پاسخ به سؤالاتش امام حسنو امام حسین علیهما السلام را معرفی کرد. او امام حسن را برای پاسخ به سؤالات خود انتخاب کرد. مرد شامی پیش از آنکه سؤالات خود را مطرح کند، امام حسن علیه السلام لب به سخن گشوده، فرمود:

آمده ای که چنین سؤال هایی را مطرح کنی: فاصله بین حق و باطل چه قدر است؟ بین آسمان و زمین چه قدر فاصله است؟ قوس و قزح چیست؟ کدام چشمه و چاه است که ارواح مشرکان در آن جمع هستند؟ ارواح مؤمنان در کجا جمع می شوند؟ خنثی کیست؟ کدام ده چیز است که هریک سخت تر از دیگری است؟ عرض کرد: یابن رسول الله! درست است، پرسش های من همین هاست که فرمودید. سپس امام در حضور پدر به تمام آن پرسشها پاسخ گفت. وقتی آن مرد شامی این پاسخها را شنید، گفت:

گواهی می دهم که تو فرزند رسول خدایی و همانا علی بن ابی طالب سزاوارتر است برای خلافت و جانشینی رسول خدا از معاویه... ۶

در مسند قضاوت

از دیگر دلایل شخصیت علمی و جایگاه والایش این است که امیرمؤمنان علیه‌السلام از او می‌خواهد تا در جریانی بسیار مشکل، داوری کند. او نیز درباره فردی که چاقو در دست داشت و در خرابه‌ای کنار کشته‌ای دستگیرش کرده بودند و همچنین درباره فرد دیگری که خود اقرار کرده بود که مقتول در خرابه را، او کشته است؛ چنین قضاوت کرد

قاتل واقعی با اقرار و صداقتش جان متهم را نجات داد و با این کار، گویی بشریت را نجات داده است و خداوند فرموده: «و من أحيأها فكأنما أحيأ الناس جميعاً»؛ هرکس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است. بنابراین، آن دو را آزاد کنید و دیه مقتول را از بیت المال پرداخت نمایید.»^۷

(ج) در نگاه امام حسین علیه‌السلام

با توجه به سال شهادت امام حسن مجتبی علیه‌السلام به یقین هیچ معصومی به اندازه امام حسین علیه‌السلام در کنار برادر خود نبوده است. این دو امام معصوم نزدیک به پنجاه سال در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند. بدین جهت امام حسین علیه‌السلام بیشتر از هر مسلمان دیگری به شخصیت علمی برادرش پی‌برده بود. و به‌ویژه در آن ده سال آخر که امامت و رهبری را عهده دار بود، با نگرش دیگری به امام حسن علیه‌السلام می‌نگریست

امام حسین علیه‌السلام ضمن اینکه برادر خود را شخصیتی بی‌مانند می‌دانست، او را عالم‌ترین فرد به تفسیر و تأویل و آشنا به تمام علوم و مسائل حکومت و جهان اسلام می‌دانست. چنانچه این نظر را می‌توان از برخورد امام حسین علیه‌السلام با عایشه در تشییع جنازه برادرش به دست آورد

در تاریخ آمده است: هنگامی که امام حسین علیه‌السلام خواست برادر خود را، بنا به توصیه‌اش پیش از دفن برای تجدید عهد نزد قبر رسول خدا

صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ببرد، عایشه به تحریک بنی‌امیه از ورود جنازه امام حسن علیه‌السلام به داخل حجره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جلوگیری کرد. امام در برابر این اهانت به فرزند پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عایشه فرمود:

این تو و پدرت بودید که حرمت و حجاب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را دریدید و کسی را داخل حجره‌اش کردید که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جوارش را دوست نمی‌داشت و اینکه خداوند در فردای قیامت از تو بازخواست خواهد کرد. بدان ای عایشه! که برادرم داناترین فرد به خدا و رسول او است. و داناتر است به کتاب خدا از اینکه بخواهد نسبت به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرده دری کند...»^۸

امام حسن و نقل حدیث از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از جمله افرادی که نامش جزو راویان و محدثان از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

در تاریخ ثبت گردیده، امام حسن مجتبی علیه السلام است. امام که در حیات پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هنوز ده سال نداشت، با دریافت گفته‌های پیامبر که گاهی آیات وحی بود و گاهی روایات، آنها را از سینه پیامبر به سینه خودش منتقل کرده و سپس به دیگران انتقال می‌داد.

امام حسن علیه السلام با شنیدن آیات وحی که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرود می‌آمد، بی‌درنگ به منزل آمده و آنها را برای مادرش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام قرائت می‌کرد. که این مسأله باعث تعجب امیرمؤمنان علیه السلام شده بود.

آورده‌اند که: امام مجتبی علیه السلام هفت ساله بود که به همراه پیامبر در مسجد حضور می‌یافت و آنگاه که آیات جدید بر او نازل می‌شد، همان‌ها را از زبان جدش می‌شنید و آن گاه که به خانه باز می‌گشت، برای مادرش فاطمه تلاوت می‌کرد؛ به گونه‌ای که هرگاه امیرمؤمنان وارد خانه می‌شد، ملاحظه می‌کرد آیات جدیدی که بر پیامبر نازل گردیده نزد فاطمه است. از آن حضرت جویا می‌شد؛ فاطمه می‌فرمود: از فرزندت حسن.

بدین جهت، روزی علی بن ابی‌طالب علیه السلام زودتر به خانه آمد و از دید فرزندش پنهان گشت تا آیات جدید را که بر پیامبر نازل شده بار دیگر از فرزندش بشنود.

امام حسن علیه السلام وارد خانه شد؛ همین که خواست آیات قرآن را برای مادرش بخواند، زبانش به لکنت افتاد و از خواندن سریع باز ماند. مادرش شگفت زده شد. امام حسن علیه السلام گفت: مادرم! تعجب نکن؛ گویا شخصیت بزرگی در خانه است که با شنیدن سخنانم، مرا از سخن گفتن باز می‌دارد در این هنگام، امیرمؤمنان علیه السلام از محلّ اختفا بیرون آمده و فرزندش حسن را به آغوش گرفته و بوسید. ۹
گلایه‌ای از احمد بن حنبل

احمد بن حنبل در مسند خود، ضمن اختصاص فصلی به روایات امام حسن مجتبی علیه السلام از طریق شش نفر به نام‌های ابوالحوراء سعدی، هبیره، عمر بن حبشی، محمد بن علی، ربیعه بن شیبان و محمد، دوازده روایت از امام حسن علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل کرده است. ۱۰
در حالی که در همین مسند، از عبدالله بن عباس صد و شصت صفحه ۱۱ روایت نقل کرده است که بدون شک، مجموع آن روایات کمتر از هزار روایت نخواهد بود. حال سؤال ما این است: با اینکه ابن عباس در مکه یا مدینه به دنیا آمده ۱۲ و با امام حسن علیه السلام بیش از دو یا سه سال تفاوت سنّی ندارد، چه شده که از امام حسن علیه السلام دوازده روایت نقل می‌کند ولی از ابن عباس صد و شصت صفحه روایت؟ در حالی که اگر بخواهیم حضور هریک را به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم حساب کنیم، به یقین با شرایطی که امام حسن

علیه‌السلام داشت، از جمله نوه بودن، حضور وی به مراتب بیشتر از حضور ابن عباس بوده است

افزون بر این، با در نظر گرفتن اظهار نظر برخی که ابن عباس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چهار یا نه و یا ده حدیث ۱۲ بیشتر نشنیده است؛ شگفت‌آور است که چرا احمد بن حنبل، این همه روایت را به او نسبت داده است؟
تدریس معارف الهی

یکی از بهترین شواهد و دلایل شخصیت والای امام حسن مجتبی علیه‌السلام این است که وی از همان آغاز جوانی، بلکه کودکی، آنچه را که از زبان پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گرفته بود، سخاوتمندانه در اختیار دیگران قرار می‌داد. ابن الصباغ مالکی درباره این کلاس پرخیر و برکت می‌نویسد:

حکى عنه عليه السلام انه كان يجلس فى مسجد رسول الله «
صلى الله عليه وآله وسلم و يجتمع الناس حوله فيتكلم بما يشفى غليل السائلين و يقطع حجج المجادلين...؛ درباره حسن بن علی - که درود بر او باد - نقل شده است که در مسجد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌نشست و تشنگان معارف اسلامی گرداگردش می‌نشستند. او به گونه‌ای سخن می‌گفت که تشنگان علم و معرفت را سیراب نموده و ادله و براهین دشمنان را باطل می‌کرد...» ۱۴

ابن الصباغ سپس به نقل جریان زیر پرداخته تا شخصیت علمی امام حسن مجتبی علیه‌السلام و جایگاه والای او را در امت اسلامی بیان کرده باشد:

علی بن احمد واحدی در تفسیر خود آورده است که مردی وارد مسجد رسول الله شده، ملاحظه کرد که شخصی مشغول نقل حدیث از پیامبر است. مردم اطراف او را گرفته، به سخنانش گوش می‌دادند. پس آن شخص به نزد وی آمده، گفت: مراد از شاهد و مشهود - که در آیه شریفه آمده است - چیست؟ پاسخ داد: اما شاهد که روز جمعه است و اما مراد از مشهود، روز عرفه می‌باشد. پس از او گذشته به دیگری برخورد کرد که همانند اولی به نقل حدیث پرداخته بود، سؤال خود را تکرار کرده از او پرسید که: مراد از شاهد و مشهود چیست؟ وی پاسخ داد: اما شاهد که روز جمعه است و اما مشهود، روز عید قربان است. آنگاه از کنار آن دو نفر گذشته، گذرش به نوجوانی افتاد که چهره‌اش همانند طلا می‌درخشید که او هم در مسجد، کلاس درس تشکیل داده بود. پس از او درباره شاهد و مشهود پرسید. وی در پاسخ گفت:

آری. اما شاهد، حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و اما مشهود، روز قیامت می‌باشد.

آنگاه برای گفته خود، این چنین استدلال کرد:

آیا سخن پروردگار را نشنیده‌ای که می‌فرماید: «يا ايها النبي انا ارسلناك شاهداً و مبشراً و نذيراً» ۱۵؛ ای پیامبر! ما تو را به عنوان شاهد و بشارت دهنده و بیم دهنده فرستادیم. «ذلک يوم مجموع له الناس و ذلک يوم مشهود» ۱۶؛ روز قیامت روزی

است که همه مردم برای آن جمع می‌شوند و آن روز، روزی است که مشهود همگان است.

گوید: سپس از نام شخص اوّل پرسید، گفتند: ابن عباس است و از دومی که پرسید، گفتند: ابن عمر است و از شخص سوم که پرسید، گفتند: وی، حسن بن علی بن ابی‌طالب است. ۱۷

جالب اینجاست که بر طبق نقل علامه مجلسی در بحارالانوار: «این شخص تفسیر امام را از شاهد و مشهود، بر دیگر تفسیرها که از عبدالله بن عباس و عبدالله بن عمر شنیده بود، ترجیح داده و آن را پسندیده بود» ۱۸؛ شاید دلیل این پذیرش، استدلال قوی امام حسن به دو آیه شریفه بوده است.

امام حسن علیه‌السلام و تربیت شاگردان امام حسن مجتبی علیه‌السلام از دوران کودکی سفره علمی خود را پهن کرده و با نقل آیات شریفه و سپس نقل حدیث از پیامبر بزرگوار اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم خدمت بزرگی به تشنگان علم و معرفت نمود؛ به ویژه در این ده سال آخر که حوادث دردناکی به مسلمانان، خاصه پیروان اهل بیت روی آورده بود.

امام با حلم، بردباری، صبر و حوصله‌ای که از خود نشان می‌دادند، خویشان را برای هر نوع پاسخ‌گویی آماده ساخته بودند.

از این روی، می‌بینیم که افراد و گروه‌ها و شخصیت‌های زیادی در محضر درس امام علیه‌السلام می‌نشستند که یقیناً تاریخ، نام بسیاری از آنها را ثبت نکرده است. از جمله بسیاری از صحابه رسول خدا و تابعین هستند که از محضر پرفیض امام حسن علیه‌السلام استفاده کرده‌اند.

در اینجا برخی از بزرگان شیعه همانند شیخ طوسی در رجال خود، نام برخی از این شخصیت‌ها را به عنوان اصحاب امام آورده است که تعداد آنها از چهل و یک نفر نمی‌گذرد.

اگرچه جای این سؤال هست که: چگونه یاران امام حسن علیه‌السلام از چهل و یک نفر تجاوز نمی‌کنند در حالی که امام نزدیک پنجاه سال در بین امت اسلامی زندگی می‌کردند؟ و چرا یک مرتبه از تعداد ۴۵۰ یار که برای امیرمؤمنان علیه‌السلام ثبت شده به چهل و یک نفر می‌رسد؟ و چرا این عدد نسبت به امام حسین علیه‌السلام هم به دو برابر، بلکه بیشتر می‌رسد و چرا با مقایسه با یاران امام زین العابدین علیه‌السلام یاران او یک چهارم می‌باشد؟! علت چیست و چرا چنین شده است؟

احتمال دارد شیخ طوسی فقط نام راویان از اصحاب امام حسن علیه‌السلام را آورده باشد؛ به دلیل اینکه در بخش آخر کتاب خود به نام عده‌ای اشاره کرده است که از معصومین علیهم‌السلام روایت نکرده‌اند.

و احتمال دارد امام در زمانی می‌زیسته که بیشتر اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بودند، و آنها به هر دلیلی از حضور در پای امام حسن

علیه‌السلام و یا نقل روایت از او، خودداری می‌کردند.
و نیز محتمل است که تبلیغات سوء معاویه بن ابی‌سفیان تأثیر خود را گذارده باشد
یاران امام حسن مجتبی علیه‌السلام

حال، این ما هستیم و تعداد بسیار کم از یاران امام حسن مجتبی علیه‌السلام که
بخش دیگری از این نوشتار را به یادآوری نام آنها اختصاص می‌دهیم

احنف بن قیس؛ ۲. اصیغ بن نباته؛ ۳. اشعث بن سوار؛ ۴. جابر بن عبدالله 1.
انصاری؛ ۵. جعید همدانی؛ ۶. جارود بن منذر؛ ۷. جارود بن ابی‌بشر؛ ۸. حبیب بن
مظاهر؛ ۹. حذیفه بن اسید غفاری؛ ۱۰. حارث اعور؛ ۱۱. حجر بن عدی؛ ۱۲. حبه
بن جویر عرنی؛ ۱۳. حبابه والبیه؛ ۱۴. رشید هجری؛ ۱۵. رفاعه بن شداد؛ ۱۶. زید
بن ارقم؛ ۱۷. سلیم بن قیس؛ ۱۸. سفیان بن ابی‌لیلی همدانی؛ ۱۹. سلیمان بن
سرد خزاعی؛ ۲۰. سوید بن غفله؛ ۲۱. ظالم بن عمرو؛ ۲۲. عبایه بن عمرو ربیع؛
۲۳. عمرو بن حمق خزاعی؛ ۲۴. عامر بن وائل؛ ۲۵. عبدالله بن جعفر بن ابی‌طالب؛
۲۶. عبیدالله بن عباس؛ ۲۷. عمرو بن قیس مشرقی؛ ۲۸. قیس بن سعد بن عباده؛
۲۹. کمیل بن زیاد؛ ۳۰. کیسان بن کلیب؛ ۳۱. لوط بن یحیی؛ ۳۲. مسلم البطین؛
۳۳. مسعود مولی ابی وائل؛ ۳۴. میثم تمار؛ ۳۵. مسیب بن نجبه؛ ۳۶. مسلم بن
عقیل؛ ۳۷. هلال بن نساف؛ ۳۸. ابواسحاق همدانی؛ ۳۹. ابواسحاق سبیعی؛ ۴۰.
ابن کلیب؛ ۴۱. فاطمه والبیه. ۱۹

نکته جالب توجه اینکه یاران امام از نظر عدد، بسیار کم هستند اما بسیاری از آنها
از شخصیت‌های برجسته عالم اسلام می‌باشند

برخی از آنها پیامبر و پنج امام را درک کرده‌اند؛ همانند جابر بن عبدالله انصاری و
برخی دیگر علاوه بر اینکه از یاران امام حسن علیه‌السلام هستند، جزو یاران
امیرمؤمنان بوده‌اند؛ همانند احنف، اصیغ، جابر بن عبدالله، جعید، حبیب، حبه،
رشید، رفاعه، زید، سلیم، سلیمان، سوید، ظالم، عمرو بن حمق، عامر، کمیل،
لوط، میثم، مسیب و ابواسحاق

و برخی دیگر جزو یاران امام حسین علیه‌السلام نیز هستند؛ همانند جابر، جعید،
حبیب، رشید، زید، سلیم، ظالم، عمرو، کیسان، لوط، میثم و فاطمه. دسته دیگر از
آنها جزو یاران امام سجاد علیه‌السلام نیز هستند؛ همانند جابر، رشید، سلیم و
ظالم.

و گروهی نیز جزو یاران امام باقر علیه‌السلام شمرده شده‌اند؛ همانند جابر بن
عبدالله انصاری که در سال ۷۸ ق. به دیدار خدا شتافت. ۲۰

نکته دوم اینکه عده‌ای از یاران امام حسن علیه‌السلام همانند حبیب بن مظاهر
اسدی، جزو شهدای کربلا هستند. و برخی همانند کمیل بن زیاد، عمرو بن حمق
خزاعی، رشید هجری و حجر بن عدی در راه ولایت و دفاع از اهل بیت علیهم‌السلام
به شهادت رسیده‌اند

پی‌نوشت‌ها

1. بحارالانوار، ج ٤٣، ص ٣٣٣.
2. الاصابة فى تمييز الصحابه، ج ٢، ص ١٢؛ ذخائر العقبى، ص ١٢٥.
3. ر.ک: صلح الحسن.
4. بحارالانوار، ج ٤٣، ص ٣٣٣.
5. همان، ص ٣٥١؛ اثبات الوصيه، ص ١٥٩.
6. احتجاج، طبرسى، ج ١، ص ٣٣٩. (با تلخیص).
7. کافی، ج ٧، ص ٢٨٩.
8. همان، ج ١، ص ٣٠٢.
9. بحارالانوار، ج ٤٣، ص ٣٣٨.
10. مسند احمد، ج ١، ص ١٩٩.
11. همان، ص ٢١٤ - ٣٧٤.
12. در بين مورّخان اختلاف است كه ابن عباس به هنگام رحلت پیامبر(ص) چند ساله بوده است؟ عده‌ای او را ده ساله، برخی سیزده ساله و گروهی پانزده ساله دانسته‌اند. (تهذيب التهذيب، ج ٥، ص ٢٤٤).
13. همان.
14. الفصول المهمه، ص ١٣٧.
15. احزاب / ٤٥.
16. هود / ١٠٣.
17. الفصول المهمه، ص ١٣٧.
18. بحارالانوار، ج ٤٣، ص ٣٤٥.
19. رجال شيخ طوسى، ص ٦٦.
20. بهجة الآمال، ج ٢، ص ٤٨٠.